

بعضی از ماها که حالا معمم هستیم، اگر یک آدم فرودستی باشد، یک آدم مثلاً [سطح] پائینی باشد؛ نه، اعتنا و اهتمامی نمی‌کنیم!

در ابتدای جلسه درس خارج فقه؛



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای جلسه درس خارج فقه ضمن شرح حدیثی درباره سیره‌ی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به بیان اهمیت مردمی بودن و انس گرفتن با طبقات مختلف مردم پرداختند.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی IR.KHAMENEI، متن این جلسه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين

أَخْبَرَنَا ابْنُ مَخْلَدٍ قَالَ: أَخْبَرَنَا الْخَلْدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْقَطَّانِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ مُوسَى الْخَثَلِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو إِسْمَاعِيلَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ سُلَيْمَانَ الْمُؤَدَّبُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ وَيَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَيَعْتَقِلُ الشَّاةَ وَيُجِيبُ دَعْوَةَ الْمَمْلُوكِ عَلَى خُبْرِ الشَّعِيرِ. (1)

عن ابن عباس قال: كان رسول الله (صلى الله عليه وآله) يجلس على الأرض [پیامبر] دنبال این نبود که یک فرشی، چیزی داشته باشد؛ در مسجد، در ملاقات با یک نفری که در بین راه با ایشان برخورد میکرد، و میخواست دو کلمه حرف بزند، روی زمین می‌نشست.

وَيَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ  
گاهی غذایی را هم همین طور که روی زمین نشسته بود، میخورد. سفره‌ای بیندازند و آدابی و تشکیلاتی و حالا یک بشقابی، کاسه‌ای، چیزی مثلاً؛ نه، همین طور روی زمین می‌نشستند و غذای ساده‌ای میل میکردند.

وَيَعْتَقِلُ الشَّاةَ  
گوسفندی فرصاً داشتند، ریسمان گوسفند را دستشان میگرفتند. «يَعْتَقِلُ» از «عقال کردن» است دیگر، یعنی آن را نگه داشتن، گوسفند را نگه میداشتند. خب، این خلاف شأن است دیگر؛ ماها اگر باشیم، حالا یک گوسفندی هم داشته باشیم، دستمان نمیگیریم توی خیابان و کوچه. این بزرگواری میکردند این کار را.

وَيُجِيبُ دَعْوَةَ الْمَمْلُوكِ عَلَى خُبْرِ الشَّعِيرِ  
گاهی یک غلامی مثلاً نشسته بود یک جایی روی زمین و داشت نان جوی میخورد؛ حضرت عبور میکردند، تعارف میکرد، آقا! بفرمایید؛ می‌نشستند حضرت پهلوی او. نمیگفتند شأن ما نیست، نمیشود، مناسب نیست.

اینکه ما این قدر می‌گوییم و می‌شنویم که باید مردمی باشیم، یعنی این. مردمی بودن به ادعا کردن نیست. با مردم، با زندگی مردم کنار بیاییم، مثل مردم زندگی کنیم، با طبقات مختلف مردم انس بگیریم. این، معنای مردمی بودن است. بعضی از ماها که حالا معمم هستیم، اگر مثلاً یک آدم ذی‌شأنی، آدم محترمی باشد، خب، سلام علیک می‌کنیم، گرم می‌گیریم، اگر کاری با ما داشته باشد گوش می‌کنیم، آقا! یک استخاره‌ای بکنید، قرآن را درمی‌آوریم و یک استخاره‌ای برایش [می‌گیریم]. اگر یک آدم

فروستی باشد، یک آدم مثلاً [سطح] پائینی باشد؛ نه، اعتنا و اهتمامی نمی‌کنیم! این، خلاف سیره‌ی رسول الله است. سیره‌ی پیغمبر این است که با فقرا و با ضعفا و مانند اینها کنار می‌آمد. به شئون ظاهری و آن چیزهایی که به حسب ظاهر موجب جلال و شوکت و این چیزها است، اهمیتی نمی‌داد.

وضع زندگی پیغمبر این طور بود؛ این برای ما واقعاً درس است. حالا ما البته نه توقع داریم، نه می‌شود توقع داشت که مثل آن بزرگوار یا مثل امیرالمؤمنین رفتار کنیم؛ نه، خب، وضع آنها وضع دیگری است، جایگاهشان جایگاه دیگری است اما آن را بایستی ملاک قرار بدهیم. آن را مثل یک نشانه‌ای [قرار دهیم]؛ شما فرض کنید از یک دامنه‌ی کوهی دارید می‌روید بالا، آن قله مورد نظرتان است، به قله نمی‌رسید اما به طرف قله می‌روید، حرکت به آن سمت می‌کنید؛ باید اینجوری باشد.

[1] امالی طوسی، مجلس چهاردهم، ص 393؛ «ابن عباس گوید: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بر زمین می‌نشست، و بر زمین غذا می‌خورد، و گوسفند به دستشان می‌گرفت، و دعوت برده‌ای را به نان جوین می‌پذیرفت.»

برچسب ها: [رهبر انقلاب](#) [1]